

منظور واضعین قوانین اساسی ۱۸۷۵ از این اختصار این بود که به حل و فصل مسائل کلی و اساسی اکتفا شده حل و عقد سایر مسائل که ممکن بود اختلافات موجوده بین احزاب سیاسی را توسعه داده و مانعی برای تصویب قانون اساسی جدید ایجاد کند و کول به قوانین عادی گردد.

پس از تصویب قوانین اساسی مزبور، مجلس ملی در ۲ اوت ۱۸۷۵ قانون انتخابات مجلس سنا و در ۳۰ نوامبر قانون انتخابات مجلس مبعوثان را تصویب کرد. در ماه دسامبر ۱۸۷۵ مجلس ملی هفتاد و پنج سناتور دائمی پیش بینی شده در ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ را تعیین نمود و در ۳۰ ژانویه ۱۸۷۶ بقیه ۲۲۵ نفر سناتور از طرف مردم بطور غیر مستقیم انتخاب شدند و بالاخره بتاريخ ۲۰ فوریه همانسال انتخابات مجلس مبعوثان انجام یافت و مجلسین در ۸ ماه مارس ۱۸۷۶ جلسات خود را در شهر ورسای (۱) تشکیل دادند سپس همانروز مجلس ملی منحل و قانون اساسی جدید بموقع اجرا گذارده شد.

قوانین اساسی ۱۸۷۵ چند دفعه مورد تجدید نظر واقع گردیده بود که تفصیل آن از این قرار است :

۱- ماده ۹ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ برای تشکیل جلسات مجلس مبعوثان و مجلس سنا و مقر قوه مجریه شهر ک-وچک و ساکت ورسای واقع در حومه پاریس رامین کرده بود. قانونگذاران ۱۸۷۵ فرانسه با این تصمیم میخواستند از ایجاد شورش و تولید بی نظمی که در یک شهر بزرگ مانند پاریس بیشتر ممکن الوقوع میباشد جلوگیری کرده و محیط آرام و ساکتی که لازمه قانونگذاری است برای مجالس فراهم سازند. و اما پس از استقرار صلح و ایجاد امنیت و آرامش در پاریس مجلسین مجلس واحدی بنام مجلس ملی یا کنگره در ورسای تشکیل داده و بموجب قانون مصوب ۲۱ ژوئن ۱۸۷۹ محل تشکیل جلسات مجالس و مقر قوه مجریه را از ورسای به پاریس انتقال دادند. و اما بر طبق ماده ۳ قانون مزبور برای انتخاب رئس جمهوری و تجدید نظر در قوانین اساسی مجلس ملی بایستی در شهر ورسای منعقد گردد.

۲- همانطور که در بالا اشاره شد بموجب ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵

مجلس سنا از ۳۰۰ نفر عضو تشکیل میشد که ۲۲۵ نفر آنرا مردم بطور غیر مستقیم انتخاب مینمودند و بقیه ۷۵ نفر را خود مجلس ملی در ماه دسامبر ۱۸۷۵ مادام العمر انتخاب کرده بود و در صورت فوت یا استعفاء یا عدم توانائی هر يك از این ۷۵ سناتور مجلس سنا در ظرف مدت دو ماه جانشین سناتور متوفی یا مستعفی یا سناتوری را که بعلمت عدم توانائی صالح یا قادر بانجام وظائف سناتوری نبود تعیین مینمود. قانون مصوب ۱۴ اوت ۱۸۸۴ مجلس ملی مواد يك الى هفت قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ مربوط به سنا را از قانون اساسی خارج و در ردیف قوانین عادی قرار داد سپس در ۹ دسامبر ۱۸۸۴ يك قانون متعارفی به تصویب مجلسین رسید که بموجب آن سناتوری دائمی ملغی و مقرر گردید که کلیه سناتورها را مردم انتخاب کنند. بعلاوه قانون مذکور در فوق اعضای خانواده های بوربون (سلسله ارشد و سلسله اصغر) و خانواده ناپلئون را که در فرانسه سلطنت کرده بودند از حق انتخاب شدن بریاست جمهوری ممنوع ساخت و همچنین قانون ۱۴ اوت ۱۸۸۴ رژیم جمهوری را در فرانسه غیر قابل تغییر اعلام نمود.

علاوه بر اصلاحات مندرج بالا قانون مصوب ۱۴ اوت ۱۸۸۴ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ راجع به سازمان قوای عالیه کشور را مورد تجدید نظر قرار داد. توضیح اینکه ماده ۵ قانون اخیر الذکر مقرر میداشت که در صورت انحلال مجلس مبعوثان رئیس جمهوری در ظرف مدت سه ماه از تاریخ انحلال انتخاب کنندگان را برای تعیین نمایندگان جدید دعوت کند. چون مدت سه ماه برای انتخابات مجلس جدید طولانی تشخیص داده شده بود از این رو قانون ۱۸۸۴ رئیس جمهوری را ملزم میکرد که در صورت انحلال مجلس مبعوثان انتخابات جدید را در ظرف دو ماه بعمل آورده و مجلس جدید را انتخاب را در مدت ده روز پس از پایان انتخابات منعقد سازد و نیز قانون مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ بند ۳ ماده اول قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ را (که مطابق آن قرار بود مردم در اولین یکشنبه پس از افتتاح دوره اجلاس مجالس در معابد جمع شده از درگاه خداوند درخواست کنند که نمایندگان را در انجام وظائف خود هدایت و رهبری کند) لغو کرد.

۳- در دهم اوت ۱۹۲۶ یکبار دیگر قانون اساسی ۱۸۷۵ مورد تجدید نظر واقع گردید بشرح اینکه دولت بمنظور جلب اطمینان طلبکاران خود بر آن شد که مؤسسه ای

بنام صندوق اداره اوراق قرضه دفاع ملی و استهلاك قروض عمومی (۱) تأسیس نموده و مقررات مربوط به صندوق مزبور را بصورت قانون اساسی دریاورد. قانون مورخ دهم اوت ۱۹۲۶ ماده‌ای به قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ ضمیمه کرد و اثر بر اینکه عایدات دولت از فروش توتون و تنباکو و همچنین وجوه حاصله از مالیات برارث و غیره از سال ۱۹۲۷ در اختیار صندوق استهلاك قروض عمومی قرار گیرد و چنانچه بعداً عایدات مذکور در فوق تقلیل یابد اعتباری که بالغ بر مبالغ کسری باشد در بودجه کل کشور منظور گردد.

۴- پس از شکست فرانسه در میدان جنگ و اشغال پاریس بدست ارتش فاتح آلمان و امضای قرارداد متار که جنگ با آلمان و ایتالیا نمایندگان مجلس مبعوثان و سناتورهای در شهر ویشی (۲) تشکیل کنگره داده در دهم ماه ژوئیه ۱۹۴۰ اختیارات تام به مارشال پتن (۳) رئیس مملکت تفویض و وی را مأمور نمودند که بوسیله فرامین قوانین اساسی ۱۸۷۵ را مورد تجدید نظر قرار دهد و احکام خود را بطور موقت تا تشکیل مجالس جدید بموقع اجرا بگذارد. نظر به قانون دهم ژوئیه ۱۹۴۰ مارشال پتن بوسیله فرامین مورخ ۱۱ ژوئیه و ۱۰ دسامبر ۱۹۴۰ و چند فرمان دیگر تغییرات کلی در قوانین اساسی ۱۸۷۵ بعمل آورد که شرح آن بعداً خواهد آمد.

اینک با توجه به قوانین اساسی مورخ ۲۴ و ۲۵ فوریه و ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ و تغییراتی که بعداً در قوانین مزبور بعمل آمده بود و بادر نظر گرفتن قوانین انتخابات مجلس مبعوثان و مجلس سنا و قوانین دیگر بشرح سازمان سیاسی فرانسه از ۱۸۷۶ تا ۱۹۴۰ (جمهوری سوم) مبادرت میشود.

مبحث دوم

ریاست جمهوری

بموجب ماده ۲ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ رئیس جمهوری در جلسه مشترک مجلس مبعوثان و مجلس سنا (مجلس ملی یا کنگره) با کثرت مطلق آراء انتخاب میشود. چون در قانون اساسی شرایط خاصی جهت احراز مقام ریاست جمهوری

پیش بینی نشده بود برای انتخاب شدن باین مقام اصولاً تابعیت فرانسه ۲۱ سال عمر و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی کافی بود. و اما بطوریکه فوقاً اشاره شد قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ افراد خانواده بوربون و خانواده ناپلئون را که سابقاً در فرانسه سلطنت میکردند از حق نیل بمقام ریاست جمهوری ممنوع میساخت. علت محرومیت مزبور این بود که نمایندگان جمهوریخواه فرانسه این نگرانی را داشتند که چنانچه یکنفر از خاندان بوربون یا ناپلئون بر ریاست جمهوری انتخاب شود ممکن است مانند ناپلئون اول و ناپلئون سوم از قدرت و نفوذ خود سوءاستفاده کرده رژیم جمهوری را لغو و حکومت سلطنتی را در فرانسه برقرار کند. و همچنین قانون اساسی ۱۸۷۵ مانعاً الجمع بودن ریاست جمهوری را با مشاغل دیگر از جمله نمایندگی مجلس مبعوثان و مجلس سنا پیش بینی نکرده بود ولی نظر باصل تفکیک قوای ثلاثه عملاً یکنفر نمیتوانست در عین زمان نمایندگی پارلمان و ریاست قوه مجریه را عهده دار گردد و چنانچه یکنفر سناتور یا مبعوث بر ریاست جمهوری انتخاب میشد از مقام نمایندگی مستعفی تلقی شده و بجای او یک مبعوث یا سناتور جدید انتخاب میگردد.

رئیس جمهوری برای مدت ۷ سال انتخاب میشود. تجدید انتخاب مانع قانونی نداشت ولی معمولاً یکنفر فقط برای یک دوره بر ریاست جمهوری تعیین میشود. دوره هفت ساله از تاریخ انتخاب شدن محسوب میگردد. رئیس جمهوری در تمام مدت ریاست قابل عزل از مقام خود نبود. لا اقل یکماه قبل از اتمام دوره مأموریت خود رئیس جمهوری مجالس ممتنه را برای انتخاب رئیس جمهوری جدید منعقد مینمود و چنانچه بفرض محال وی از انجام این وظیفه قانونی استنکاف میورزید در اینصورت نمایندگان مجلسین پانزده روز مانده به آخر دوره هفت ساله بدون دعوت از طرف رئیس جمهوری جلسه مجلس ملی را تشکیل داده و با انتخاب رئیس جمهوری جدید مبادرت مینمودند و اگر هنگام اتمام دوره هفت ساله ریاست جمهور، مجلس مبعوثان در حال انحلال بود در این مورد اقدام فوری برای تسریع انتخابات بعمل میآمد تا مجلس جدیداً انتخاب و مجلس سنا جلسه واحدی تشکیل داده و رئیس جمهوری جدید را انتخاب کنند. در مورد فوت یا استعفاء یا عدم توانائی رئیس جمهوری وظایف ریاست قوه مجریه را تا انتخاب رئیس جمهوری جدید هیئت دولت انجام میداد.

وظائف ریاست جمهوری بشرح زیر بود :

۱- از لحاظ دخالت در قوه مقننه

رئیس جمهوری حق داشت مجالس مقننه را هنگام تعطیل منعقد کند و همچنین موظف بود مجلس مبعوثان و مجلس سنارا بتقاضای نصف بعلاوه يك نمايندگان یکی از مجلسین دعوت به تشکیل جلسات فوق العاده نماید.

۲- ماده ۲ قانون اساسی مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ به رئیس جمهوری اجازه میداد که جلسات مجالس را تعطیل کند ولی تعطیل نبایستی در هر دوره قانونگذاری بیشتر از دودفعه بعمل آید و هر دفعه بیشتر از یکماه ادامه پیدا کند. در دوره جمهوری سوم از حق تعطیل مجالس فقط مارشال ماك ماهون استفاده کرده مجلس مبعوثان و مجلس سنارا از شانزدهم ماه مه تا پانزدهم ژوئن ۱۸۷۷ تعطیل کرد.

۳- قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ (ماده ۵) به رئیس جمهور حق میداد که قبل از انقضای دوره قانونگذاری مجلس مبعوثان را با جلب موافقت مجلس سنا منحل نماید و از ۱۸۷۵ تا ۱۹۴۰ مجلس مبعوثان فقط یکبار در زمان ریاست مارشال ماك ماهون منحل گردید. بر طبق ماده اول قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ در صورت انحلال مجلس مبعوثان انتخابات مجلس جدید بایستی در ظرف دو ماه بعمل آمده و مجلس جدید در مدت ده روز از تاریخ ختم انتخابات منعقد گردد.

۴- رئیس جمهوری حق پیشنهاد لوایح قانونی را داشت. لوایح مالی و بودجه کل کشور بایستی قبلاً به مجلس مبعوثان پیشنهاد شده سپس برای تصویب به مجلس سنا فرستاده شود. لوایح غیر مالی را دولت مخیر بود به مجلس مبعوثان یا سنا پیشنهاد کند.

۵- رئیس جمهوری ملزم بود لوایح و طرحهای مصوب مجالس مقننه را در ظرف یکماه و دره واردنوری که تشخیص آن با هر يك از مجلسین بود در ظرف سه روز از تاریخ تصویب توشیح و ابلاغ کند و چنانچه لوایح یا طرحهای مصوب مجلسین یا قوانین اساسی مبنایت داشت با اجرای آنها اصلاح مملکت نبود در هر يك از این دو مورد رئیس جمهوری حق داشت آن لوایح یا طرحها را در مدت مذکور در فوق بوسیله پیام تذکر دلایل به مجالس برگرداند و تقاضا کند که آن لایحه یا طرح را یکبار دیگر مورد رسیدگی قرار دهند و اگر مجلس مبعوثان و مجلس سنا متفقاً لایحه یا طرح مورد ایراد رئیس جمهوری را با کثرت مطلق آراء، تصویب مینمودند در این صورت رئیس موظف بود آنرا توشیح و ابلاغ کند. در جمهوری سوم امتناع از ابلاغ قوانین

معمول نبود و رؤسای جمهوری فرانسه دائماً و همیشه لوایح و طرحهای مصوب مجلسین را توشیح ابلاغ و اجرا مینمودند .

۶- رئیس جمهوری بوسیله فرامین قوانینی برای مستعمرات و کشورهای تحت الحمايه وضع نموده به موقع اجرا میگذاشت .

۷- رئیس جمهوری حق داشت احکام و فرامین صادر کند مشروط بر اینکه احکام و فرامین وی با قوانین اساسی و قوانین متمارفي مبیانت نداشته باشد .

از لحاظ ریاست قوه مجریه رئیس جمهوری وظایف ذیل را دارا بود :

۱- با رعایت قوانین مصوب وی وزراء و سایر مأمورین کشوری و نظامی را عزل و نصب مینمود و اما مجالس مقننه مجاز بودند قانونی وضع نموده حق نصب و عزل بعضی از مأمورین نظامی و کشوری را به وزراء یا حکام و یا رؤسای ادارات مستقل یا بالاخره انجمنهای محلی یا خود مردم واگذار کنند . بموجب ماده ۴ قانون اساسی مورخ ۲۵ ماه فوریه ۱۸۷۵ رئیس جمهوری پس از جلب نظر مشورتی هیئت وزیران اعضای شورای دولتی را عزل و نصب مینمود . عزل و نصب یا تغییر مأموریت قضات تابع مقررات خاصی بود .

۲- رئیس جمهوری فرمانده کل قوای بری و بحری و هوایی بود . وی مجاز بود این وظیفه را شخصاً انجام دهد یا به يك یا چند افسر عالی مقام واگذار نماید .

۳- رئیس جمهوری با جلب موافقت مجالس مقننه اعلان جنگ میداد ولی در مورد تجاوز بخاك فرانسه وی مجاز بود بدون طرح موضوع در مجالس مقننه بمنظور دفاع از استقلال و تمامیت ارضی فرانسه فرمان عملیات نظامی را صادر کند .

۴- استقرار حکومت نظامی بوسیله قانون مخصوصی بعمل میامد ولی استثنائاً در ایام تعطیل مجالس مقننه رئیس جمهوری با جلب موافقت هیئت وزیران میتواند حکومت نظامی برقرار کند بهر حال پس از اعلان حکومت نظامی مجلس مبعوثان و مجلس سنا در ظرف دوازده روز منعقد گردیده و حق داشتند امریه رئیس جمهوری را دائر بر استقرار حکومت نظامی تأیید یا رد نمایند .

۵- رئیس جمهوری نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالک خارجه میفرستاد و نمایندگان آن ممالک را میپذیرفت .

۶- رئیس جمهوری قراردادهای بین المللی را منعقد و تصویب مینمود ولی برای

عهدنامه‌های صلح، قراردادهای بازرگانی، قراردادهاییکه قسمتی از خاک فرانسه را به يك دولت بیگانه واگذار یا يك قسمت از قلمرو يك دولت خارجی را به خاک فرانسه ضمیمه می‌نمود و یا بالاخره یکی از نقاط فرانسه را با نقطه‌ای از خاک يك کشور بیگانه معاوضه میکرد تصویب مجالس مقننه لازم بود. مجالس مقننه مجاز نبودند تغییراتی در طرح قراردادها بعمل آورند بلکه موظف بودند آن طرح‌ها را تصویب یا رد نمایند بعلاوه مجالس محق نبودند رئیس جمهور را ملزم کنند که تحت شرایط معینی قراردادی با يك یا چند دولت بیگانه منعقد سازد. رئیس جمهوری مجاز بود بدون تصویب مجالس قرارداد های بین‌المللی که از لحاظ سیاسی استتار آنها لازم بنظر میرسید منعقد کند ولی ملزم بود پس از رفع محظور قراردادهای مزبور را باستحضار مجالس برساند.

۷- اعطای درجات و نشان از وظائف رئیس جمهوری بود.

از لحاظ دخالت در قوه قضائیه رئیس جمهوری حق انتخاب قضات و حق اعمال عفو خصوصی و تخفیف مجازات را داشت. اعطای عفو عمومی بوسیله قانون بعمل می‌آمد.

رئیس جمهوری برای خیانت به مملکت مسئول بود و چنانچه وی مرتکب جنایت یا جنحه عمومی میشد طبق مقررات قانون جزا محاکمه میشد. در مورد خیانت به مملکت و موارد ارتکاب جنحه یا جنایت قرار تعقیب رئیس جمهور در مجلس مبعوثان صادر و مجلس سنا او را محاکمه میکرد.

حقوق رئیس جمهوری در بودجه کل کشور منظور میگردد. حقوق وی در سال ۱۹۳۰ بالغ بر ۱۸۰۰۰۰۰ فرانك بود. علاوه بر حقوق رئیس جمهوری سالیانه بابت هزینه سفر و پذیرائی ۹۰۰۰۰۰ فرانك و ۹۰۰۰۰۰ فرانك هم جهت خرج نگاهداری منزل مسکونی خود از خزانه دولت دریافت میداشت. مقر و مسکن رئیس جمهوری در قصر الیزه (۱) بود و قصرهای رامبوئیله (۲) و فونتن بلو (۳) را نیز برای گذراندن تعطیلات تابستانی در اختیار داشت.

۱- palais de l' Elysée

۲- chateau de Rambouillet

۳- château de Fontainebleau

مبحث سوم

وزراء

رئیس جمهوری توسط وزراء و وظائف خود را انجام میداد. در قوانین اساسی ۱۸۷۵ عده و نوع وزارتخانه‌ها پیش بینی نشده بود و در عمل هنگام تشکیل کابینه جدید بر طبق فرمان ریاست جمهوری يك يا چند وزارتخانه منحل و وزارتخانه یا وزارتخانه های جدیدی تأسیس میشد و اما چون تصویب بودجه هر يك از وزارتخانه‌ها بامجالس مقننه بود لذا مجلس مبعوثان و مجلس سنا با عدم تصویب بودجه وزارتخانه‌های جدید میتوانند از تشکیل آنها جلوگیری کنند به علاوه مجالس مجاز بودند بموجب يك قانون معمولی وزارتخانه جدیدی تأسیس یا یکی از وزارتخانه‌های موجوده را منحل نمایند.

هر چند قوانین اساسی ۱۸۷۵ طرز انتخاب وزراء را پیش بینی نکرده بود ولی چون بر طبق ماده ۳ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ انتصاب کلیه مأمورین کشوری و نظامی بارتیس جمهوری بود بنابراین وی حق داشت وزراء را نیز که جزء مأمورین دولت بشمار میرفتند تعیین کند مضافاً باینکه در تمام ادوار تاریخ سیاسی فرانسه انتخاب وزراء باریاست قوه مجریه اعم از پادشاه و رئیس جمهور بوده و قوانین اساسی ۱۸۷۵ این حق را از ریاست جمهوری سلب نکرده و به قسام دیگری تفویض ننموده بود.

در جمهوری سوم انتخاب وزراء بشرح ذیل بعمل می‌آمد: در صورت استعفای هیئت دولت رئیس جمهوری با رؤسای مجالس مقننه و رهبران فراکسیونهای پارلمانی و رؤسای کمیسیونهای مهم مجلسین مشورت میکرد تا بدین وسیله تمایل اکثریت هر يك از مجالس را نسبت به نخست وزیر جدید تشخیص دهد. پس از مذاکرات لازم رئیس جمهوری یکی از رجال سیاسی را مأمور تشکیل کابینه میکرد و شخصی که بدین ترتیب انتخاب میشد پس از مذاکره و مشاوره با همکاران سیاسی خود و نمایندگان سایر فراکسیونها آمادگی خود را برای تشکیل دولت جدید باستحضار ریاست قوه مجریه میرسانید و رئیس جمهوری حکمی مبنی بر انتصاب نخست وزیر جدید صادر میکرد و این حکم بامضای رئیس الوزراء مستعفی میرسید سپس نخست وزیر جدید همکاران خود را انتخاب نموده و باریاست ممالکت معرفی میکرد و وی حکم انتصاب

آنها را صادر مینمود و این حکم ریاست قوه مجریه بامضای نخست وزیر جدید میرسید . پس از صدور احکام مزبور هیئت وزیران برنامه خود را تنظیم کرده و آنرا نخست وزیر در مجلس مبعوثان و وزیرداد گستری (معمولا) در مجلس سنا قرائت نموده تقاضای رأی اعتماد میکردند و اگر برنامه دولت و شخص وزراء مورد قبول و موافقت هر يك از مجلسین واقع نمیکردید نخست وزیر استعفای دسته جمعی وزراء را به رئیس جمهوری تقدیم میکرد و وی اقدام لازم برای حل بحران و تشکیل کابینه جدید بعمل میآورد ضمناً بنابتقاضای رئیس جمهوری وزیرای مستعفی بطور موقت تا تشکیل کابینه جدید کارهای جاری وزارتخانه های مربوطه را انجام میدادند . در قوانین اساسی مورخ ۱۸۷۵ و همچنین در قوانین متعارفی جمهوری سوم شرائط خاصی برای نیل بمقام وزارت پیش بینی نشده بود و بنابراین اتباع ذکور فرانسه بشرط داشتن ۲۱ سال تمام و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی میتوانند بوزارت انتخاب شوند . وزراء معمولا از بین اعضای مجلس مبعوثان و مجلس سنا انتخاب میشدند ولی رئیس جمهور مجاز بود آنها را خارج از مجالس نیز انتخاب کند . وزارت با نمایندگی مجالس مانعة الجمع نبود بدین معنی که نمایندگان مجلسین با حفظ عضویت خود در پارلمان و استفاده از حق رأی و سایر مزایای نمایندگی میتوانند وظائف وزارتتی را انجام دهند . اصولا عزل وزراء با رئیس جمهوری بود ولی وی فقط در مواردی از این حق استفاده میکرد که مجلس مبعوثان یا مجلس سنا نسبت به هیئت دولت یا بعضی از وزراء ابراز عدم اعتماد نموده و بطور غیر مستقیم عزل آنها را از ریاست جمهور خواستار میشدند . و اما برخلاف اصل مذکور در ۱۶ ماه مه ۱۸۷۷ مارشال ماك ماهون (رئیس جمهوری فرانسه از سال ۱۸۷۳ تا سنه ۱۸۷۹) هیئت دولت را بر ریاست ژول سیمون (۱) که مورد اعتماد نمایندگان پارلمان بود معزول و دوک دو بروئی (۲) را به نخست وزیری تعیین نمود و مراتب را بوسیله پیام به مجالس اطلاع داد و چون مجلس مبعوثان با این اقدام مارشال ماك ماهون مخالف بوده و عقیده داشت که ریاست قوه مجریه مجاز نیست بدون ابراز عدم اعتماد از طرف یکی از مجلسین وزراء را معزول کند از دادن رأی اعتماد به وزیرای جدید امتناع کرد که در نتیجه رئیس جمهوری بر طبق ماده ۵ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵

پس از جلب موافقت مجلس سنا مجلس مبعوثان را منحل و دستور تجدید انتخابات مجلس منحل شده را صادر نمود.

وزراء هیئتی بنام شورای کابینه (۱) تشکیل میدادند که ریاست آن بان نخست وزیر بود ولی در موارد مهم هیئت وزیران تحت ریاست خود رئیس جمهوری منعقد میگردد. هیئتی که ریاست آن با رئیس جمهوری بود شورای وزیران (۲) نامیده میشد.

همانطور که در سایر ممالک پارلمانی معمول بوده و میباشد در فرانسه (جمهوری سوم) وزراء دو نوع مسئولیت داشتند که یکی مسئولیت سیاسی و دیگری مسئولیت جزائی بود. در امور سیاسی وزراء مسئول و ضامن عملیات و اقدامات یکدیگر بودند بدین معنی که اگر یکی از آنها از حیث امریکه مربوط به سیاست عمومی دولت بود مورد عدم رضایت اکثریت نمایندگان مجلس مبعوثان یا مجلس سنا واقع میگردد کابینه میبایست استعفا بدهد ولی اگر اقدام یکی از وزراء که مربوط به سیاست عمومی دولت نبود مورد مخالفت یکی از مجلسین واقع گردیده و اکثریت نمایندگان آن مجلس نسبت به وزیر مورد ایراد ابراز عدم اعتماد می نمودند آن وزیر بتنهائی استعفا میداد و سایر وزراء بر سر جای خود میماندند مگر اینکه رئیس دولت یا نماینده او از آن وزیر دفاع نموده و تمام کابینه را مسئول اقدام او مینمود. در امور جزائی وزراء منفرداً مسئول بودند بدین معنی که اگر یکی از آنها هنگام انجام وظائف محوله مرتکب جرمی میگردد سایر اعضای کابینه از حیث جزائی مسئول نبودند. قرار تعقیب وزراء را مجلس مبعوثان صادر و مجلس سنا آنها را مجازم میگردد.

مبحث چهارم

سنا

در دوره جمهوری سوم پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بود که یکی مجلس سنا و دیگری مجلس مبعوثان نامیده میشد. ماده اول قانون اساسی مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ عدد نمایندگان مجلس سنا را ۳۰ نفر معین کرده بود که ۲۲۵ نفر آنرا ولایات اروپائی فرانسه و ۳ ولایت الجزایر و بعضی مستعمرات و بقیه ۷۵ نفر را مجلس مؤسسان مادام العمر انتخاب کرده بود. از لحاظ تعداد جمعیت ولایات اروپائی فرانسه به طبع

۱ - conseil de cabinet

۲ - conseil des ministres

تقسیم شده بود و هر يك از دو ولایت سن (۱) و ولایت شمالی (۲) جز، طبقه اول محسوب و ۵ نفر سناتور انتخاب میکردند در صورتیکه شش ولایت طبقه دوم که عبارت از رون (۳) پادوکاله (۴) ژیروند (۵) سن سفلی (۶) فینستر (۷) و ساحل شمالی (۸) بود هر يك ۴ سناتور و بیست و يك ولایت طبقه سوم هر يك ۳ و بقیه ولایات هر يك ۲ نفر سناتور تعیین میکردند. ناحیه بلفور (۹) و هر يك از سه ولایت الجزایر ۲ سناتور و چهار مستعمره که عبارت از لامارتینیک (۱۰) گواداوپ (۱۱) لاری اونیون (۱۲) و هند فرانسه (۱۳) بود هر يك ۱ سناتور انتخاب مینمودند. بموجب ماده ۴ قانون اساسی مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ برای انتخاب نمایندگان مجلس سنادر هر ولایتی هیئتی مرکب از نمایندگان آن ولایت در مجلس مبعوثان و اعضای شورای ولایتی (۱۴) و شوراهای بخش (۱۵) و نمایندگان شوراهای بلدی (۱۶) از قرار يك نماینده برای هر شورا تشکیل میگرددید. سناتورها برای ۹ سال انتخاب میشدند و هر ۳ سال انتخاب يك ثلث آنها تجدید میشد. برای انتخاب شدن تابعیت فرانسه، ۴ سال لا اقل عمر و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی لازم بود. بطوریکه در بالا اشاره شد ۷۵ نفر سناتور را مجلس ملی (مؤسسان) در دسامبر ۱۸۷۵ با کثرت مطلق آراء، مادام العمر انتخاب کرده بود و چنانچه بعلت فوت یا استعفاء یا علل دیگری يك کرسی سناتوری خالی میشد خود مجلس سنا در ظرف دو ماه جانشین سناتور متوفی یا مستعفی را تعیین مینمود. و اما چون بنظر غالب رجال آزاد بخواه آن زمان عضویت دائمی سنا با اصول حکومت دموکراسی وفق نمیداد لذا در تاریخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ نمایندگان مجلسین در شهر ورسای کنگره (مجلس مؤسسان) تشکیل داده و ۷ ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ را حذف و در ردیف قوانین عادی قرار دادند سپس بموجب قانون متعارفی مصوب ۹ دسامبر ۱۸۸۴ عضویت مادام العمر سنا را لغو نموده و مقرر داشتند که تمام سناتورها از طرف مردم

dép. du Nord - ۲	département de la Seine - ۱
dép. de la Gironde - ۵	dép. du Rhône - ۳
dép. de la Seine Inférieure - ۶	dép. du Pas - de - Calais - ۴
dép. des Côtes du Nord - ۸	dép. du Finistère - ۷
La Martinique - ۱۰	territoire de Belfort - ۹
La Réunion - ۱۲	Guadeloupe - ۱۱
Conseil général - ۱۴	Indes françaises - ۱۳
Conseil municipal - ۱۶	Conseil d'arrondissement - ۱۵

انتخاب شوند ولی این تصمیم شامل حال اشخاصی نبود که در موقع وضع قانون مزبور نماینده مادام العمر مجلس سنا بودند. بعلاوه قانون ۱۸۸۴ در طبقه بندی ولایات و تقسیم کرسیهای سناتوری بین آنها تجدید نظر کرده برای ولایت «سن» نه، برای ولایت شمالی هشت و ولایات دیگر دو تا پنج کرسی قائل شده و مقرر داشت که ناحیه بلفور، سه و هریک از ولایات سه گانه الجزایر و مستعمره مند کور در فوق (لامارتینیگ - گوآدلوپ - لاری اونیون - و هند فرانسه) هریک یک نماینده به مجلس سنا بفرستند. بعلاوه قانون مورد بحث اعضای خانواده های سلطنتی بوربون و ناپلئون را از حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس سنا ممنوع کرد. و بیز قانون ۱۸۸۴ مقرر داشت که در هیئت های ولایتی جهت انتخاب سناتورها شوراهای بلدی یک تایست و چهار نماینده داشته باشند بجز شورای شهر پاریس که قرار بود سی نفر نماینده انتخاب و معرفی کند.

و اما پس از انعقاد قرارداد صلح و رسای مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ که بموجب آن دو ناحیه الزاس (۱) و لورن (۲) از خاک آلمان منفک و به قلمرو فرانسه ملحق شده بود قانونی بتاريخ ۱۷ اکتبر ۱۹۱۹ به تصویب رسید که بر طبق آن عده نمایندگان مجلس سنا از ۳۰۰ به ۳۱۴ افزایش یافته و ۱۴ کرسی اضافی به الزاس و لورن اختصاص داده شد.

بموجب ماده اول قانون انتخابات مورخ ۲ اوت ۱۸۷۵ رئیس جمهورش هفت هفته لا اقل قبل از انتخابات مجلس سنا تاریخ انعقاد هیئت های ولایتی را اعلام میکرد و همچنین رئیس جمهوری تاریخ انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی در هیئت های مزبور را معین مینمود. فاصله بین روز انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی و تاریخ انتخاب سناتورها نبایستی کمتر از یکماه باشد. انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی برای مخفی و با اکثریت مطلق آراء بعمل میآمد و چنانچه دوبار اکثریت مطلق آراء حاصل نمیشد در دهم سوم برای انتخاب نماینده اکثریت نسبی کافی بود و در صورت تساوی آراء کسی که سن او بیشتر بود نماینده شناخته میشد. هریک از رأی دهندگان در ظرف ۳ روز از تاریخ انتخاب حق داشت نسبت به انتخاب نماینده شورای بلدی اعتراض کند اعتراض در شورای فرمانداری (۳) مورد رسیدگی قرار میگرفت. حکم شورای

فرمانداری قابل استیناف بوده و در شورای دولتی (۱) رسیدگی میشد.

هشت روز قبل از انتخاب سناتورهاها فرماندار فهرست اسامی انتخاب کنندگان را تنظیم و ابلاغ میکرد. ریاست هیئت انتخاب کنندگان باریس دادگاه حقوقی (۲) بود. دو نفر از مسن‌ترین و دو نفر هم از جوان‌ترین رأی دهندگان و یک نفر منشی تعیین میشد و این پنج نفر تحت ریاست رئیس دادگاه حقوقی هیئت رئیسه رأی دهندگان را تشکیل میدادند. انتخابات در یک روز بعمل می‌آمد. برای انتخاب شدن به عضویت مجلس سنا در دفعه اول و دوم اکثریت مطلق رأی دهندگان و داشتن لا اقل یک ربع مجموع آراء اشخاصیکه اسامی آنها در لیست انتخاب کنندگان به ثبت رسیده بود ضرورت داشت. در دفعه سوم اکثریت نسبی کافی بود و در صورت تساوی آراء کسیکه سن او بیشتر بود انتخاب شده محسوب میگردد. شرکت در انتخابات سناتورها الزامی بود و متخلفین محکوم به پرداخت جریمه میشدند.

اشخاص ذیل هنگام انجام وظائف و تاشش ماه بعد از خاتمه مأموریت خود مجاز نبودند در حوزه مأموریت خود به عضویت مجلس سنا انتخاب شوند:

۱- رؤسای کل - رؤسای شعب و اعضای دادسرای محاکم استیناف.

۲- رؤسا - نواب رئیس - بازپرسان و اعضای دادسرای محاکم بدایت.

۳- فرمانداران - بخشداران و دبیران کل فرمانداری.

۴- سر مهندسين ولايتی - مهندسين بخش - رؤسای طرق و شوارع.

۵- رؤسا و بازرسان فرهنگ.

۶- رؤسای دبستانها.

۷- رؤسای عالی‌مقام مذهب کاتولیک.

۸- افسران نیروی زمینی و دریایی.

۹- رؤسای دارائی و غیره.

مستخدمین فوق‌الذکر دولت از انتخاب شدن در حوزه مأموریت خود مطلقاً معذور بودند بدین معنی که اگر بنمایندگی انتخاب میشدند آنها کان‌لم‌یکن و بلااثر بود ولی سایر مأمورین دولت میتوانند در حوزه مأموریت خود یا خارج

۱- Conseil d'Etat

۲- président du Tribunal civil

از آن حوزه به عضویت مجلس سنا (یا مجلس مبعوثان) انتخاب شوند و اگر در ظرف ۸ روز بعد از تصویب اعتبارنامه خود از شغل خویش استعفا نمیدادند از مشاغل دولتی معزول گردیده و در نمایندگی باقی میمانند و اما بموجب قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ علاوه بر وزراء و معاونین وزارتخانه‌ها، فقط استادان دانشگاه و اشخاصیکه مشاغل دولتی برای مدت حداکثر ۶ ماه قبول میکردند از اصل مندرج بالا مستثنی بوده و با حفظ شغل دولتی میتوانند در مجلس سنا و همچنین در مجلس مبعوثان عضویت داشته باشند.

مبحث پنجم

مجلس مبعوثان

ماده اول قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ عمومی بودن انتخابات مجلس مبعوثان را اعلام نموده تعیین سایر اصول و شرایط انتخابات نمایندگان مجلس مزبور را موکول به قانون انتخابات کرده بود.

با توجه بماده مزبور مجلس ملی (مؤسسان) قانونی بتاريخ ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ تصویب نمود و همین قانون با تغییراتی که بعداً در بعضی مواد آن بعمل آمده بود تا سال ۱۹۴ (تاریخ سقوط جمهوری سوم و استقرار حکومت نامحدود مارشال پتن) اجرا میشد. بموجب قانون مزبور و قوانین تکمیلی انتخابات مجلس مبعوثان عمومی مستقیم و مخفی بود. برای رأی دادن علاوه بر تابعیت فرانسه داشتن ۲۱ سال عمر و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی و سکونت دائمی در حوزه انتخابیه یا ۶ ماه لااقل اقامت در آن حوزه ضروری بود. علاوه اشخاصیکه در ظرف ۵ سال در حوزه ای که محل سکونت دائمی یا اقامت ۶ ماهه آنها نبود مالیات مستقیم میپرداختند حق داشتند در انتخابات آن حوزه شرکت کنند. مستخدمین دولت در حوزه مأموریت خود از شرط اقامت ۶ ماهه مستثنی و مجاز بودند پس از ورود به محل مأموریت خود در انتخابات شرکت جویند. سربازان و افسران فقط در ایام مرخصی میتوانند از حق رأی استفاده کنند. محبوسین و اشخاصیکه بموجب احکام غیابی دادگاهها محکومیت پیدا کرده بودند و همچنین مجانبین و ورشکستگان به تقصیر (در ظرف سه سال) از شرکت در انتخابات مجلس مبعوثان ممنوع بودند.

از اشخاصیکه واجد شرایط رأی دادن بودند صورت برداری میشد و هر سال

یکمرتبه از اول تادهم ژانویه کمیسیون مرکب از شهردار یا دهمدار و نمایندگان فرمانداری و شورای بلدی یا شورای دهستان در لیست‌های دائمی تجدید نظر کرده متوفیان و اشخاصی را که در خلال سال گذشته بعلت ترك تابعیت محکومیت جنون یا علل دیگری از حق شرکت در انتخابات محروم گردیده بودند از صورت مورد تجدید نظر خارج و بالعکس اشخاصی را که بواسطه رسیدن به سن قانونی یا تحصیل تابعیت فرانسه و علل وجهات دیگر واجد شرایط رأی‌دادن شده بودند وارد صورت مزبور نموده و تا پانزدهم ژانویه آنرا اعلام مینمود. فرماندار و بخشدار و اشخاص ذینفع در مدت ۲ روز از تاریخ انتشار صورت انتخاب کنندگان میتوانستند به کمیسیون تجدید نظر مراجعه و تکمیل و اصلاح صورت مورد اعتراض را تقاضا کنند. کمیسیون تجدید نظر را اعضای کمیسیون بدوی و دو نفر نماینده شورای بلدی یا شورای دهستان تشکیل میدادند. اعتراض به تصمیم کمیسیون تجدید نظر در دادگاه بخش رسیدگی میشد. احکام محاکم بخش قابل رسیدگی تمیزی بود.

بموجب قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ انتخابات فردی (۱) بود و در هر بخش يك نماینده انتخاب میشد. قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۵ انتخابات فردی را ملغی و انتخابات جمعی (۲) را برقرار نمود بدین معنی که هر ولایتی يك حوزه تشکیل داده و برای هر ۶۵۰۰۰ نفر سکنه يك نماینده انتخاب میکرد بهر حال هر يك از ولایات حق انتخاب لااقل سه نفر نماینده را داشت و لو اینکه شماره سکنه آن به ۱۹۵۰۰۰ نفر نرسید. قانون ۱۳ فوریه ۱۸۸۹ انتخابات فردی را یکبار دیگر برقرار نموده و مقرر داشت که هر بخش يك نماینده انتخاب کند ولی بخشهاییکه جمعیت آنها بیشتر از ۶۵۰۰۰ نفر بود برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت اضافی نیز يك نماینده تعیین میکردند.

بموجب قانون مزبور ناحیه « بلفور » بجای دو نماینده پیش بینی شده در قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۵ يك، الجزایر شش و مستعمرات ده نفر نماینده انتخاب میکردند. انتخابات فردی تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۹ در فرانسه معمول بوده و در آن تاریخ تبدیل به انتخابات جمعی گردید. بر طبق قانون جدید ولایات اروپائی فرانسه از قرار يك

نماینده برای ۷۵۰۰۰ جمعیت انتخاب میگردند. انتخابات جمعی ۸ سال در فرانسه مجری بوده و در ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۷ ملغی و انتخابات فردی جانشین آن گردید. بموجب قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۷ در ایالات اروپائی فرانسه و سه ایالت الجزایر و مستعمرات ۶۱۲ نفر نماینده انتخاب میشود در صورتیکه قبل از تصویب قانون مذکور در فوق عدّه نمایندگان مجلس مبعوثان بالغ بر ۵۸۴ نفر بود. محتاج به تذکر نیست که در الجزایر و مستعمرات فقط اتباع فرانسه حق رأی دادن و انتخاب شدن را داشته و بومیان از اعمال این حق محروم و ممنوع بودند.

به نمایندگی فقط اشخاصی میتوانند انتخاب شوند که علاوه بر شرایطی که قانون برای رأی دادن منظور داشته بود دارای ۲۵ سال لا اقل عمر بودند. شرط اقامت در حوزه انتخابیه برای انتخاب شدن ملحوظ نبود. برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان داشتن اکثریت آراء، مأخوذه و ربع مجموع آراء ثبت شده در لیستهای انتخاباتی ضروری بود. در صورت عدم حصول حد نصاب مزبور انتخابات تجدید میشد و در انتخابات تجدیدی برای انتخاب شدن اکثریت نسبی کافی بود. نظامیان با استثنای انسران بازنشسته از حق انتخاب شدن بطور مطلق ممنوع بودند. علاوه بر نظامیان اشخاص ذیل نیز از انتخاب شدن ممنوع بودند:

۱- افراد خانواده های سلطنتی بوربون و ناپلئون (ماده ۴ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵)
 ۲- اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل نموده بودند در ظرف ۱ سال از تاریخ صدور سند تابعیت.

۳- اشخاصیکه از انجام نظام وظیفه امتناع میگردند (قانون ۲۱ مارس ۱۹۰۵)
 ۴- مدیر کل (۱) و معاونین مدیر کل (۲) بانک دو فرانس (۳).
 مدیران و اعضاء هیئت نظارت و مشاورین فنی و حقوقی شرکتهائیکه از دولت فرانسه کمک خرج دریافت میداشتند میتوانند انتخاب شوند ولی در ظرف ۸ روز از تاریخ تصویب اعتبار نامه خود ملزم بودند از شغل خود استعفا کنند و در غیر اینصورت از نمایندگی مستعفی شناخته میشدند.

نمایندگان مجلس مبعوثان با استخدام دولتی مجابنت داشت بدین معنی که اگر يك مستخدم دولت به عضویت مجلس مبعوثان انتخاب شده و در ظرف ۸ روز از تاریخ

تصویب اعتبارنامه خود از نمایندگی استعفانمیداد از شغل دولتی مستعفی شناخته میشود. و اما بموجب ماده ۸ قانون ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ وزراء - معاونین وزارتخانهها - سفرای کبار - وزرای مختار - فرماندار ولایت «سن» - رئیس شهر بانی پاریس - رئیس کل و دادستان کل دیوان عالی تمیز - رئیس کل و دادستان کل دیوان محاسبات - رئیس کل و دادستان محاکم استیناف پاریس و همچنین روحانیون عالی مقام مذهب کاتولیک و پروتستان و یهود از اصل مندرج بالا مستثنی بوده با حفظ شغل خود میتوانند وظائف نمایندگی را عهده دار شوند. قانون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ ماده ۸ قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ را ملغی نموده و مقرر داشت که فقط وزراء و معاونین وزارتخانهها و استادان دانشگاه و اشخاصیکه بطور موقت (حداکثر ۶ ماه) از دولت مأموریت قبول میکنند با حفظ شغل خود میتوانند نمایندگی مجلس را داشته باشند. نمایندگان مجلس مبعوثان که شغل دولتی بجز مأموریت موقت قبول میکردند از عضویت مجلس مستعفی شناخته میشوند. مستخدمین دولت که قبول نمایندگی مجلس را میکردند پس از انقضای دوره قانونگذاری حق داشتند به شغل دولتی برگردند.

بعضی از مأمورین دولت از جمله فرمانداران و بخشداران و دبیران کل فرمانداری و مأمورین عالیرتبه دارائی و رؤسای مدارس ابتدائی مجاز نبودند در حوزه مأموریت خود بنمایندگی انتخاب شوند و این محرومیت نه تنها شامل دوره خدمت میشد بلکه ۶ ماه بعد از آن نیز قابل اجری بود (ماده ۱۲ قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵) منظور واضعین قانون مزبور این بود که مبادا مأمورین مذکور در فوق از نفوذ خود بین رأی دهندگان حوزه مأموریت خود سوء استفاده کرده من غیر حق بنمایندگی انتخاب شوند. بموجب قانون ۲۷ ژوئیه ۱۸۸۹ داوطلبان نمایندگی مجاز نبودند از چند حوزه انتخاب شوند. کاندیداهای نمایندگی ملزم بودند ۵ روز لااقل قبل از انتخابات به فرمانداری حوزه انتخابیه اعلام نامزدی (۱) نمایند. چنانچه يك تبعه بیگانه یا شخصی که از لحاظ سن از جهات دیگر واجد شرائط انتخاب شدن نبود اعلام نامزدی میکرد مقامات مربوطه حق و وظیفه داشتند به تقاضای او ترتیب اثر نداده از ثبت نام او خودداری کنند. اثر قانونی اعلام نامزدی این بود که فقط اشخاصی میتوانند بنمایندگی انتخاب شوند

که با احراز شرایط قانونی در موعد مقرراعلام نامزدی نموده و اسم آنها در فرمانداری به ثبت رسیده بود و چنانچه در يك حوزه انتخابیه يك نفر بدون نام نویسی اکثریت آراء را بدست میآورد آراء او باطل شناخته میشود. منظور از اعلام نامزدی این بود که به رأی دهندگان وقت و مجال تعمق و بررسی در صلاحیت داوطلب نمایندگی و برنامه وی داده شود به علاوه بر اثر اعلام نامزدی سهولت و نظمی در شمارش آراء حاصل میشود. اگر يك نفر داوطلب نمایندگی در چند حوزه اعلام نامزدی میکرد اولی معتبر و بقیه باطل و بلا اثر شناخته میشود. چنانچه يك نفر داوطلب نمایندگی بدون اعلام نامزدی اقدام به ارسال اوراق تبلیغاتی یا اعلان در روزنامهها و مجلات میکرد یا بمنظور اخذ آراء، متوسل بوسائیل دیگر میشد این عمل غیر قانونی تلقی شده و قابل تعقیب جزائی بود.

دوره نمایندگی ۴ سال بود و پس از انقضای دوره چهار ساله انتخاب تمام نمایندگان تجدید میشد در صورتیکه سناتورها برای ۹ سال انتخاب میشدند و هر سه سال انتخاب يك ثلث آنها تجدید میگردد و این همان ترتیبی است که در ایران ممالک متحده امریکا و پاره ممالک دیگر معمول است. در صورت فوت استعفاء یا عدم توانائی یکی از نمایندگان انتخاب جانشین او در مدت ۲ ماه (حد اکثر) بعمل میآید و چنانچه فوت استعفاء یا عدم توانائی در طرف ۶ ماه قبل از پایان دوره قانونگذاری بوقوع می پیوست در این صورت انتخاب نماینده جدید بجای نماینده مستعفی متوفی یا ناتوان بعمل نمیآید. در هر دهستان یا شهری يك انجمن فرعی نظارت در انتخابات تشکیل میشود. ریاست انجمن مزبور با دهدار یا شهردار (۱) بوده و اعضای آن از بین اعضای شورای دهستان یا شورای شهر (۲) تعیین میشوند. انتخابات در یکروز بعمل میآید و رأی دهندگان با ارائه ورقه دائمی انتخاباتی (۳) رأی خود را در صندوق رأی میانداختند. نظارت در انتخابات و تشخیص انتخاب شدگان در مرکز حوزه انتخابیه با کمیسیون بود مرکب از رئیس محکمه حقوقی و چهار نفر از با سابقه ترین اعضای شورای ولایتی. ریاست کمیسیون مرکزی با رئیس محکمه بود. کمیسیون مزبور به شکایات واصله رسیدگی کرده نظر خود را اعلام مینمود و لسی اتخاذ تصمیم قطعی درباره شکایات

انتخاباتی با خود مجلس مبعوثان بود. صورت مجلس انتخابات بوسیله فرمانداری و وزارت کشور به دفتر مجلس مبعوثان فرستاده میشد.

مبحث ششم

مقررات مربوط به هر دو مجلس

مجالس مقننه اصولاً مساوی الحقوق بودند بدین معنی که کلیه لوایح و طرحهای قانونی بایستی به تصویب هر دو مجلس برسد منتهی لوایح مالی قبلاً در مجلس مبعوثان به تصویب رسیده سپس برای تصویب به مجلس سنا فرستاده میشد بعلاوه مجلس سنا وظایف قضائی داشته رئیس جمهوری و وزراء و مقصرین سیاسی را مجازاً میگرد. بموجب مادتين اول و دوم قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ جلسات عادی مجلس سنا و مجلس مبعوثان هر سال در دومین سه شنبه ماه ژانویه تشکیل یافته و لا اقل ۵ ماه ادامه پیدا میکند. دوره اجلاس مجلس سنا در آن واحد شروع و خاتمه پیدا میکند. پایان دوره اجلاس از طرف رئیس جمهوری معین و ابلاغ میگردد و همچنین در موارد ضروری رئیس جمهوری میتواند به تشخیص و صلاحدید خود یا به تقاضای اکثریت مطلق نمایندگان یکی از مجلسین مجلس مبعوثان و مجلس سنا را برای تشکیل جلسات فوق العاده دعوت کند. بطوریکه در بالا متذکر گردید رئیس جمهوری میتواند مجلس را تعطیل کند ولی تعطیل بایستی در هر دوره قانونگذاری بیشتر از دو دفعه بعمل آید و هر دفعه از یکماه تجاوز کند. جلساتی که یکی از مجلسین خارج از دوره اجلاس تشکیل میداد غیر قانونی محسوب و مصوبات آن کان لم یکن و بلا اثر محسوب میشد و تنها استثنائیکه قانون اساسی از این اصل قائل میشد جلساتی بود که مجلس سنا بعنوان دیوان دادگستری (۱) تشکیل میداد. جلسات مجلس سنا و مجلس مبعوثان علنی بود مگر اینکه جمعی از نمایندگان یکی از مجلسین که تعداد آنها در نظامنامه داخلی آن مجلس معین شده بود تشکیل جلسه محرمانه را تقاضا بکنند بهر حال هر يك از مجالس حق داشت با اکثریت مطلق آراء برای رسیدگی به موضوعی که در جلسه محرمانه مطرح بود جلسه علنی تشکیل دهد (ماده ۵۰ نظامنامه داخلی سنا و ماده ۱۱۰ نظامنامه داخلی مجلس مبعوثان). رئیس جمهوری بوسیله پیام با مجالس تماس میگرفت. پیام ریاست جمهوری را نخست وزیر یا یکی از وزراء

در مجلسین قرائت مینمود. وزراء حق داشتند در جلسات عمومی و کمیسیونهای مجالس حضور بهم رسانیده در خصوص امور مربوطه بوزارتخانه های خود اظهاراتی نمایند. بدیهی است چنانچه وزیری عضو یکی از مجلسین بود علاوه بر حضور در جلسات و شرکت در مذاکرات حق رأی را نیز دارا میشد. هر يك از مجالس نیز محق بود وزرا را برای ادای توضیحات در جلسات عمومی و جلسات کمیسیونهای مجلس دعوت نماید. هر يك از مجالس به اعتبار نامه های نمایندگان خود رسیدگی کرده آنرا تصویب یا رد مینمود. مجلس مبعوثان و مجلس سنا اعضای هیئت رئیسه خود را برای يك دوره اجلاس انتخاب مینمودند و چنانچه نمایندگان مجلس مبعوثان و سناتورها برای انتخاب رئیس جمهوری یا تجدید نظر در قانون اساسی مجلس واحدی تشکیل میدادند و وظائف هیئت رئیسه آن مجلس را اعضای هیئت رئیسه مجلس سنا انجام میدادند. قرار تعقیب رئیس جمهوری و وزرا را مجلس مبعوثان صادر و مجلس سنا با حضور تمام اعضای خود آنها را محاکمه میکرد بعلاوه بر طبق فرمان ریاست جمهوری مجلس سنا اشخاصی را که متهم به ارتکاب جنایت بر علیه امنیت داخلی و خارجی کشور بودند محاکمه میکرد.

همانطور که در تمام کشورها از جمله خود فرانسه معمول بوده و میباشد هر يك از نمایندگان مجالس آزادی نطق و رأی داشتند بقسمیکه مقامات رسمی و مأمورین دولت (شخصاً) و اشخاص ثالث حق نداشتند نمایندگان مجلس مبعوثان و سناتورها را بواسطه اظهاراتی که نموده و رأیی که داده بودند نه در دوره نمایندگی و نه پس از انقضای آن دوره مورد تعقیب قرار دهند. بموجب ماده ۱۴ قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ چنانچه یکی از نمایندگان مجلسین در زمان اشتغال پارلمان مرتکب جنحه یا جنایتی میشد مقامات قضائی فقط با اجازه مجلس مربوطه میتوانند او را بازداشت و محاکمه کنند. جرائم مشهود از این قاعده مستثنی بود بدین معنی که مقامات مربوطه مجاز بودند بدون جلب موافقت نمایندگان، مبعوث یا سناتوری را که مرتکب جرم مشهود میشد دستگیر و تعقیب نمایند. در ایام تعطیل مجالس توقیف و تعقیب نمایندگان پارلمان بدون کسب اجازه مجلس مربوطه مانعی نداشت ولی در این مورد و همچنین در مورد جرائم مشهود مجلسی که متهم عضو آن بود میتواند از مقامات قضائی درخواست کند که نماینده توقیف شده آزادی حاصل نموده و بازداشت و تعقیب او تا آخر دوره قانونگذاری معلق گردد.

قسمت سوم

تحوالات سیاسی از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶

قانون اساسی کنونی فرانسه

فصل اول

سکرت مارشال پتن (۱)

هنگام شکست فرانسه در جنگ و پیشرفت سپاهیان فاتح آلمان در خاک فرانسه و اشغال پاریس در ۱۳ ژوئن ۱۹۴۰ آلبر لو برن (۲) ریاست جمهوری و پل رنو (۳) ریاست هیئت وزیران را عهده دار بودند و مارشال پتن فاتح معروف و ردن (۴) در جنگ اول جهانی وزیر مشاور و نایب رئیس دولت بود. در این موقع مسئله ترک مقاومت را ادامه جنگ که افکار عمومی ملت مغلوب فرانسه را بخود جلب کرده بود در هیئت وزیران مطرح و وزراء بدو دسته مخالف و متضاد تقسیم شدند بدین معنی که پل رنو نخست وزیر و بعضی از اعضای کابینه او بامتاز که جنگ جداً مخالفت نموده و عقیده داشتند که دولت باید جنگ با آلمان و ایتالیا را در خاک فرانسه یا لافل در شمال افریقا (الجزایر - مراکش - تونس) و مستعمرات فرانسه ادامه دهد و امامارشال پتن و ژنرال ویگان (۵) که پس از عزل ژنرال کاملن (۶) از فرماندهی کل قوای فرانسه بجانشینی وی انتصاب شده بود ادامه جنگ را آنهم در دو جبهه نه تنها بی فایده بلکه مضر بحال

Henri - Philippe Pétain, maréchal de France - ۱

Paul Reynaud - ۳

général Weygand - ۵

Albert Lebrun - ۲

Werduin - ۴

général Gamelin - ۶

ملت فرانسه دانسته مصر آوموؤ کدأ متار که جنگ را در خواست می کردند (۱) . چون قسمت اعظم وزراء متمایل به نظر مارشال پتن و ژنرال ویگان بوده و ادامه جنگ را برخلاف مصالح فرانسه تشخیص میدادند لذا هیئت دولت تصمیم بر تقاضای متار که جنگ گرفت و بر اثر این تصمیم هیئت وزیران پل رنو از ریاست دولت استعفا داد و آلبر لوبرن رئیس جمهوری در تاریخ ۱۶ ژوئن مارشال پتن را مأمور تشکیل کابینه جدید فرانسه نمود . رئیس الوزرای جدید که وطن پرستی و کاردانی او در امور نظامی مورد تردید نبود بدون فوت وقت به فرماندهی کل قوای آلمان مراجعه و تقاضای متار که جنگ را نمود . این درخواست مورد موافقت پیشوای آلمان واقع گردیده و در شب ۲۵ ژوئن در جنگل معروف کمپین (۲) محلی که متار که جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ صورت گرفته بود قرارداد متار که جنگ بین فرانسه از یک طرف و آلمان و ایتالیا از طرف دیگر بامضا رسیده و بموقع اجرا گذاشته شد .

پس از امضای قرارداد متار که جنگ بنا بدعوت مارشال پتن نمایندگان مجلس میهونان و مجلس سنا بتاریخ ۶ ژوئیه در شهر ویشی (۳) که پس از بردو (۴) و کلرمون فرران (۵) مقر حکومت فرانسه شده بود تشکیل جلسه دادند و مجلس میهونان با کثرت ۳۹۵ رأی در مقابل ۳ مخالف و مجاس سنا با کثرت ۲۲۹ رأی موافق در مقابل ۱ مخالف لزوم تجدید نظر در قوانین اساسی ۱۸۷۵ را تصدیق نموده سپس در دهم ماه ژوئیه مجلس واحدی تشکیل دادند و با کثرت ۵۴۹ رأی در برابر ۸۰ مخالف و ۱۷ متمنع ماده واحده باین مضمون تصویب نمودند :

« مجلس ملی به حکومت جمهوری اختیار تام میدهد که تحت نظر و راهنمایی مارشال پتن قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و بامضای او ابلاغ کند . این قانون اساسی باید منافع زحمتکشان و خانواده و وطن را تضمین کند .

قانون اساسی مورد نظر از طرف ملت تصویب خواهد شد و مجالسی که قانون مزبور بوجود خواهد آورد ترتیب اجرای آنرا خواهند داد .

این قانون اساسی به تصویب مجلس ملی رسیده و بموقع اجرا گذاشته میشود .

۱- کواهی پل رنو و آلبر لوبرن در جلسات مورخ ۲۴ و ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۵ محلی که مارشال پتن

۲- Vichy

۳- Compiègne

۴- Clermont - Ferrand

۵- Bordeaux

ماده واحده مصوب مجلس ملی بامضای آلبر لو برن رئیس جمهوری و مارشال پتن نخست وزیر رسیده و ابلاغ گردید .

باتوجه به قانون فوق الذکر مارشال پتن با جلب نظر هیئت وزیران فرامینی صادر نمود که اهم آنها بشرح زیر است :

۱ - بموجب فرمان شماره يك مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ مقام ریاست جمهوری در فرانسه ملغی و مقام ریاست مملکت (۱) به مارشال پتن تفویض گردید و در نتیجه آلبر لو برن رئیس جمهوری از شغل خود معزول شد .

۲ - فرمان شماره دو مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ که مهمترین فرامین مارشال پتن بشمار میرود علاوه بر وظائفی که قوانین اساسی ۲۴ فوریه و ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ برای ریاست جمهور قائل شده بود به رئیس مملکت اجازه میداد که تا تشکیل مجالس فوآینی وضع نموده و بموقع اجرا بگذارد و چون در تمام دوره زمامداری مارشال پتن مجالس مقننه تشکیل نشده بودند نامبرده تا پایان حکومت ویشی به تنهایی وضع قوانین میکرد بهر حال اعلان جنگ مسنلزم موافقت مجلس مبعوثان و مجلس سنا بود و نیز فرمان شماره دو به مارشال پتن اختیار میداد که پس از انعقاد مجالس جدید هم در مواقع بحران شدید داخلی که تشخیص آن با خود مارشال پتن بود وضع قوانین کند . مارشال پتن که علاوه بر وظائف ریاست قوه مجریه ریاست هیئت دولت را نیز عهده دار بود حق داشت وزراء را عزل و نصب کند و وزرائیکه از طرف او انتخاب میشدند فقط در مقابل وی مسئول بودند . فرمان مورد بحث برای اداره امور مملکتی دو نوع هیئت تشکیل داده بود که یکی شورای وزیران (۲) و دیگری شورای کابینه (۳) نامیده میشد . در شورای وزیران متصدیان وزارتخانه های مهم مانند وزارت امور خارجه وزارت دارائی - وزارت اقتصاد ملی - وزارت جنگ عضویت داشتند در صورتیکه متصدیان سایر وزارتخانه ها که دارای عنوان منشی دولتی (۴) بودند در جلسات شورای کابینه شرکت میکردند و از شرکت در جلسات هیئت وزیران ممنوع بودند . شورای کابینه مسائل مربوطه را مورد مطالعه و مذاقه قرار داده نظر خود را برای اتخاذ تصمیم قطعی باستحضار شورای وزیران میرسانید . ریاست شورای وزیران با

خود مارشال پتن بوده و در جلسات شورای کابینه نایب رئیس دوات و وظائف رئیس را انجام میداد.

۳ - فرمان شماره سه مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ مجلس مبعوثان و مجلس سنا را تعطیل کرده و تشکیل جلسات مجالس مزبور را منوط به اجازه ریاست مملکت مینمود.

۴ - بموجب فرمان شماره چهار مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۰ پیرلاوال (۱) بسمت جانشینی مارشال پتن تعیین گردید و بر طبق فرمان شماره ۴ مکرر (۲) مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۰ در صورت فوت یا استعفا یا بالاخره عدم توانائی لاوال برای انجام وظائف محوله هیئت وزیران حق داشت با کثرت مطلق آراء، شخص دیگر بر ابراهه جانشینی مارشال پتن تعیین کند. پس از مفضوب شدن پیرلاوال، مارشال پتن در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۴۰ فرمانی بشماره ۴/۳ (۳) صادر نمود که بموجب آن به هیئت وزیران اختیار داده میشد که جانشین رئیس مملکت را انتخاب کند و بالاخره بر طبق فرمان شماره ۴ (۴) مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۴۱ در با سالار دارلان (۵) بجانشینی مارشال پتن منصوب و مقرر گردید که در صورت فوت یا استعفاء و یا عدم توانائی وی هیئت وزیران طبق فرمان شماره ۴ مکرر یک نفر را بجای او تعیین کند.

۵ - فرمان شماره پنج مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۰ ماده ۹ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ و ماده ۱۲ قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ راجع به وظائف قضائی مجلس سنا را لغو نموده محکمه ای بنام دیوان عالی داد گستری (۶) تاسیس و به داد گاه مزبور اختیار داد که وزراء - وزرای سابق - معاونین و زارتخانه ها و وزیرستان نزدیک (۷) آنها را با اتهام جنحه و جنایاتی که هنگام انجام وظائف محوله مرتکب میشدند و هم چنین اشخاصی را که متهم به سوء قصد به امنیت کشور و جرائم مشابه بودند محاکمه کند. محکمه دارای یک رئیس یک نایب رئیس پنج مستشار اصلی و سه مستشار علی البدل بود. ریاست دیوان عالی داد گستری با رئیس دیوان کشور بود. نایب رئیس و مستشاران داد گاه مزبور را رئیس مملکت پس از جلب نظر مشورتی هیئت دولت از بین قضات

acte constit. no 4 bis - ۲

acte constit. no 4 quarter - ۴

Haute - Cour de Justice - ۶

Pierre Laval - ۷

acte constit. no 4 ter - ۳

Amiral Darlan - ۵

عالیه‌مقام و افسران ارشد تعیین مینمود. دادستان و دو نفر وکیل عمومی دادگاه نیز طبق فرمان رئیس قوه مجریه انتخاب میشدند. انعقاد محکمه بموجب فرمان مارشال پتن بعمل می‌آمد. احکام دادگاه قطعی و قابل تمیز نبود. دادگاه جلسات خود را در شهر ریون (۱) تشکیل میداد.

۶ - بموجب فرمان شماره شش مورخ اول دسامبر ۱۹۴۱ مارشال پتن می‌توانست از اعضای مجلس مبعوثان و مجلس سنا سلب نمایندگی کند.

۷ - طبق فرمان شماره هفت مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۴۱ مارشال پتن اختیار داشت وزراء و مأمورین عالی‌مقام و هم چنین وزراء و مأمورین عالی‌رتبه سابق را که کمتر از ده سال سابقه خدمت داشتند بدون مجاز و فقط به تشخیص خود به حبس یا جریمه محکوم کند. با توجه به همین فرمان جمعی از وزراء و مأمورین فرانسه بحکم مارشال پتن محکوم به حبس شدند.

۸ - بموجب فرامین شماره هفت مذکور در فوق و شماره هشت و نه مورخ ۱۴ اوت و شماره ده مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۱ وزراء و معاونین و نظامیان و سایر مأمورین دولت موظف بودند قسم وفاداری نسبت به مارشال پتن یاد کنند.

باتکاء فرامین مندرج بالا و فرامین دیگر مارشال پتن از دهم ماه ژوئیه ۱۹۴۰ تا تاریخ تبعید وی به آلمان در ۱۹۴۴ با اختیارات تام قوه مقننه و قوه مجریه را اعمال و تا اندازه‌ای وظائف قوه قضائیه را انجام میداد. هر چند نامبرده بموجب فرامین مورخ ۲۲ ژانویه و ۲۲ مارس ۱۹۴۲ يك شورای ملی (۲) تشکیل داده بود ولی گذشته از اینکه شورای مزبور جنبه مشورتی داشته و تصمیمات آن لازم‌الاجرا نبود اعضای آن نیز از طرف مارشال پتن انتخاب میشدند.

و اما بموجب فرمان شماره دوازده مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ و شماره دوازده مکرر مورخ ۲۶ نوامبر همانسال مارشال پتن قسمتی از اختیارات خود را به پیرلاوال که به ریاست دولت (۳) انتخاب شده بود تفویض و با اختیار داده بود بنام رئیس مملکت و وظائف ریاست قوه مجریه را انجام دهد و هم چنین به تنظیم و اجرای قوانین عادی اقدام کند که نتیجتاً مارشال پتن حق وضع قوانین اساسی را حفظ نه‌وده و رسماً عملیات رئیس دولت را نظارت و مراقبت میکرد.